



## گفتگو با «پوران درخشنده» نخستین بانوی کارگردان پس از انقلاب

# همدیگر را عاشقانه درک کنیم و دوست داشته باشیم

\*فیلمهای متفاوت شما با نگرش بسیار وسیعی که به مسائل اجتماعی دارید، باعث شده نه تنها مردم سرزمین دلاویزمان، بلکه مردم فراسوی مرزها و منتقدان سینمایی نام شما راه خوبی بخاطر بسپارند، برای سینما دوستان و خوانندگان ما، توضیح مختصری از خودتان و زندگی تان بفرمائید.

— زادگاهم کرمانشاه است. دوران دبستان و متوسطه در همان منطقه بودم و پس از دریافت مدرک دیپلم، برای کنکور به تهران آمدم، همزمان در دو رشته پزشکی و سینما پذیرفته شدم، به دلیل علاقه مندی به سینما، در همین رشته درس خواندم و دانش آموخته ام.

\* دلیل علاقه مندی شما به سینما چه بود؟

— مادرم معلم بودند و ارتباطشان با دنیای بیرون و ارتباط و علاقه شان به ادبیات کهن ایران باعث شد تا من هم به ادبیات، شعر و بعدهم هنر فاخر سینما علاقه مند شوم.

\* چطور شد که در سینمای مرد سالار ایران به فکر ساخت فیلم افتادید؟

— بسیار بسیار سخت بود. در سال ۶۴ به عنوان اولین بانوی فیلمساز پس از انقلاب شروع به کار کردم. طبیعتاً سینما در آن زمان در اختیار آقایان بود و هرگز بانویی پشت دوربین با عنوان کارگردان قرار نگرفته بود. با وجود مشکلات و سختی‌های بسیار در نهایت توانستم فیلم "رابطه" را بسازم، اکران بگیرم، مخاطب داشته باشم و رابطه ای قوی و ناگسستنی با مخاطبان برقرار کنم. بسیار سخت بود که بانویی به عنوان تعیین کننده اتفاقات پشت صحنه باشد و لازم باشد همه از او پیروی کنند... بسیار سخت گذشت... شاید این انقلاب باعث شد که به بانوان این شهامت داده شود تا بتوانند سهمشان را از انقلابی که خودشان هم نقش بسزایی در شکل گیری آن داشتند، بگیرند.

آن زمان در تلویزیون مشغول به کار بودم و در همانجا شرایط ساخت مهیا شد. در آن دوران آقای پورمحمدی که انسانی بسیار فرهنگ دوست بودند، حمایت و پشتیبانی کردند و من توانستم اولین فیلم را با بودجه تلویزیون که بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت بسازم.

\* آیا تا به حال به فکر ساخت فیلمی با موضوع مشکلات ترنسها بوده اید؟ چرا به این بچه‌ها پرداخته نمی شود؟

— حدوداً سال ۷۵-۷۶ فیلمنامه ای به وزارت ارشاد فرستادم که نامش "مرا رضا صدا کنید" بود. که به بحث ترنسها پرداخته شده بود. آنهم با تحقیقاتی بسیار گسترده که نتیجه یکسال تلاش در اینباره بود. پیگیری بسیار کردم... آنها را یافتم، تعدادی از آنها پیگیر شدند و مرا یافتند... به دردهایشان گوش کردم. با اینکه برایم سخت بود در کشان کردم و رسیدم به جایی که درموردشان فیلم بسازم. فیلمنامه نوشته شد اما این درد مشترک انسانی که ناخواسته با چنین مشکلی مواجه هستند هم رد شد و مجوز ساخت داده نشد!

\* پس از آن زمان دیگر در صدد گرفتن مجوز ساخت این فیلمنامه نشدید؟

— من از سال ۶۸ تا ۷۷ حدود ۹ سال فیلم نساختم پس از آن به آمریکا رفتم و فیلم "عشق بدون مرز" را ساختم...

آن سالهای سکوت و دوری من از ساخت فیلم، سالهای ظهور و بروزشان بود. سالهایی بود که نظام این کشور از جامعه را به رسمیت شناخته بود و اجازه تغییر جنسیت به این افراد داده شده بود. این به رسمیت شناخته شدن به اینها کمی اعتماد به نفس و خودباوری داده بود، در عین حال دغدغه‌های ارتباطات اجتماعی شان بسیار زیاد شده بود. پیگیری می کردند تا کسانی را بیابند تا دردشان را در غالب یک فیلم اجتماعی فریاد بزنند. متأسفانه با پیگیری‌های بسیار اجازه ندادند تا زندگی این اشخاص که حتی از جانب امام خمینی هم به رسمیت شناخته شده بودند را به تصویر بکشم. شاید در آنصورت جامعه تصویر واضحتری از این عزیزان داشت... همانطور که فیلم بچه‌های ابدی را ساختم... فیلمی از عزیزی که به سندروم دان دچار بودند، این عزیزان را به جامعه معرفی کردم. ویژگی‌هایشان، ارتباطشان با خانواده و اطرافیان. این عزیزان خود در فیلم نقش ایفا کردند، از دردهایشان گفتند، از ویژگی‌هایشان گفتند و تا چه اندازه تأثیر گذار بود در جامعه و ارتباط با این افراد.

بازهم تأکید می کنم که در مورد ترنسها تلاش بسیار کردم اما اجازه ساخت

داده نشد. زمانی که تصمیم گرفتم فیلمساز شوم با خدای خودم

عهد و پیمان بستم تا بتوانم صدای حنجره‌های بی صدا باشم

و بغض‌هایشان را در فیلمهایم فریاد بزنم. تمام

۲۶ اردیبهشت سال ۹۷ است و من راس ساعت ۱۵ با خانم پوران درخشنده قرار دارم. بانویی که با نگاه عمیقش به زندگی و بازتاب مهرش در ساخته‌های بی همانندش غرور ملی ایرانیان بیشماری را برانگیخته است..

قرار ملاقات در آموزشگاهش در یوسف آباد گذاشته شده. ساختمانی قدیمی در میدان فرهنگ... راس ساعت ۱۵ به دفترش می‌روم. بانویی است با چشمانی بسیار نافذ که هوشیاری و هوشمندی اش را به بیننده منتقل می کند. ...

سلام می‌کنم. با مهر بسیار پاسخ می‌دهد و دعوت به نشستن می‌کند... می‌نشینم و چون سوالهای بیشماری از وی دارم، پس از احوالپرسی به موضوع ملاقات می‌پردازیم: